تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۰۵
صفحه ۸۰-۸۱
نوع مقاله: ترویجی

بررسی تأثیر کوچ‌نشینان قشقایی بر نقش‌مایه‌های قالی بابا حیدر

مهدیه گودرزی (نویسنده‌ی مسئول)
دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد فرش، دانشکده‌ی هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران
mahdie.goodarzi.50@gmail.com

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۴۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۱

چکیده

قالی‌بافی هنری صنعتی است که در آغاز با نیاز مادی انسان به زیرانداز پدیدار شد و بعدها با حس زیبایی‌شناسی درآمیخت و به اوج رسید. در این سیر تحول از آغاز پیدایش تا رسیدن به کمال، ایران کشوری پیشتاز بوده است. ویژگی‌های فرش ایرانی موجب شد تا این طیف از دست‌بافته‌ها به‌عنوان نماد و شناسنامه‌ی هنری ایران در سطح جهان نیز شناخته شوند. گوناگونی در طرح‌ها و نقش‌های قالی ایران به پهنای این کشور هنرپرور است. منطقه‌ی چهارمحال و بختیاری به‌ویژه ناحیه‌ی باباحیدر، به دلیل همجواری جغرافیایی با ایل قشقایی و تأثیرپذیری دو سویه‌ی نقوش و شیوه‌ی بافت، جایگاه ویژه‌ای در مطالعه‌ی قالی‌های عشایری دارد. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر کوچ‌نشینان قشقایی بر قالی‌های باباحیدر و همچنین شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌های قالی‌های این دو منطقه انجام شده است. در این پژوهش از روش توصیفی تحلیل استفاده شده و داده‌ها از طریق بازدید میدانی و اسناد کتابخانه‌ای و تحلیل پیشینه‌ی پژوهشی گردآوری شده است. از آن‌جا که در ادبیات پژوهش نمونه‌ی مطالعات یافت شده صرفاً در ارتباط با وضعیت فرش‌بافی باباحیدر بوده و عدم مطالعه در این زمینه و یافتن شباهت‌های بافت قشقایی و بابا حیدر تاکنون صورت نگرفته است بنابراین درهم‌آمیزی ظرفیت تولید فرش در این منطقه از نقوش قشقایی و بختیاری نیاز به بررسی و مطالعه دارد. یافته‌های پژوهش نشان از آن دارد که قالی‌های منطقه‌ی بابا حیدر در بسیاری از بخش‌ها ازجمله نقوش هندسی، ترنج‌های قالی و طرح کلی تحت تأثیر قشقایی‌ها قرارگرفته‌اند. با این‌حال ویژگی‌های بومی چهارمحال و بختیاری و قشقایی نیز موجب شده تا تفاوت‌هایی نیز قالی‌های این دو منطقه داشته باشند. در مجموع نتیجه‌ی پژوهش بیانگر نوعی تبادل نقش‌مایه‌ای میان دو منطقه که در عین تأثیرگذاری، استقلال هویتی قالی باباحیدر و قالی قشقایی نیز حفظ شده است.

واژه‌های کلیدی: ایل قشقایی، باباحیدر، قالی، کوچ‌نشینان، نقش‌مایه

Studying the influence of Qashqai nomads on the motifs of Baba Heydar carpets

Mahdie Goodarzi (Corresponding Author)

Master's degree in Carpet, Faculty of Applied Arts, Iran University of Arts, Tehran, Iran.

mahdie.goodarzi.50@gmail.com

Abstract

Carpet weaving is an artistic industry that initially emerged with the material need of man for a rug and later merged with a sense of aesthetics and reached its peak. In this process of development from the beginning of its emergence to its perfection, Iran has been a leading country. The characteristics of Iranian carpets have led to this range of hand-woven products being recognized as a symbol and artistic identity of Iran worldwide. The diversity of Iranian carpet designs and patterns is as wide as this country of art. The Chaharmahal and Bakhtiari region, especially the Babaheydar region, has a special place in the study of nomadic carpets due to its geographical proximity to the Qashqai tribe and the mutual influence of patterns and weaving methods. This research aims to investigate the influence of Qashqai nomads on Baba Haydar carpets and also to identify the differences and similarities between the carpets of these two regions. In this research, descriptive analysis method was used and data was collected through field visits, library documents and analysis of research background. Since in the research literature, the sample of studies found was only related to the status of Baba Haydar carpet weaving. And the lack of study in this field and finding similarities between Qashqai and Baba Heydar textures has not been done so far, so the mixing of the carpet production capacity in this region of Qashqai and Bakhtiari patterns needs to be investigated and studied. The research findings show that the carpets of the Baba Heydar region have been influenced by the Qashqai in many aspects, including geometric patterns, carpet bergamot, and overall design. However, the indigenous characteristics of Chaharmahal and Bakhtiari and Qashqai have also caused differences in the carpets of these two regions. Overall, the results of the research indicate a kind of motif exchange between the two regions that, while influencing, has also preserved the identity independence of Babaheydar carpets and Qashqai carpets.

Key Words: Qashqai tribe, Baba Haydar, carpet, nomads, motif

مقدمه

ایل بختیاری در امتداد کوه‌های زاگرس در جنوب غربی ایران ساکن هستند که به دو طایفه‌ی بزرگ هفت لنگ و چهار لنگ تقسیم می‌شوند. عشایر بختیاری از مواد اولیه‌ای که از دام‌هایشان تولید می‌کنند در زمینه‌ی ریسندگی و بافندگی به کار می‌بردندکه این بافته‌ها صرفاً برای رفع نیاز است، مانند: جل، نمکدان، وریس، سیاه‌چادر، موج، هور، جاجیم و...

مردان ایل در تولید هیچ نقشی نداشته و زنان به صورت فصلی کار می‌کنند و دائمی نیست. رنگ‌بندی و طرح کاملاً ذهنی است و عدم تشابه و ناهمانندی از امتیازات آن به‌حساب می‌آید. مهم‌ترین مراکز فرش‌بافی در استان چهارمحال و بختیاری عبارت‌اند از: چال‌شتر(چالشتر)، سامان، اشگفتک، پیر بلوط، ارجنگ، وردنجان، فرخ‌شهر (قهفرخ)، بروجن، بلداجی، فرادنبه، هیرگان، باباحیدر، اردل و نواحی تابعه‌ی آن، شلمزار و همچنین گروه فرش‌های حاج علی (شهر باباحیدر یکی از شهرهای کوچک استان چهارمحال و بختیاری و تماماً بختیاری‌نشین است که در ٤٥ کیلومتری مرکز استان واقع‌شده است. جمله تولیدات صنایع‌دستی این مردم قالی‌هایی با نام باباحیدر است که به لحاظ طرح و نقش تفاوت فاحشی با دیگر تولیدات استان دارد. این نمونه فرش نه‌تنها در باباحیدر بلکه در شهرها و روستاهای اطراف نیز بافته می‌شود که در شهر فیل‌آباد به آن قالی فیل‌آباد (به دلیل تغییرات جزئی در نقش اما ساختار یکسان) و در شهرستان شهرکرد به آن نام قالی غریبه‌ای اطلاق می‌شود. طرح این بافته کاملاً هندسی با رنگ‌بندی محدود و تند است. همجواری و حضور ایل قشقایی با نقوش غنی در دست‌بافته‌ها سبب شده است که بسیاری از نقوش قالی‌های منطقه تحت تأثیر دست‌بافته‌های قشقایی قرار گیرد (دادور و همکاران، ١٣٨٨: ٤٠).

سؤالات مطرح شده در این پژوهش بنیادی به شرح زیر است:

١- آیا فرش بابا حیدر از ایل‌های مجاور و کوچ‌نشین ایل قشقایی تأثیر پذیرفته است؟

٢- شباهت‌ها و تفاوت‌های دست‌بافته‌های قالی باباحیدر با قوم بختیاری و قشقایی در چیست؟

برای پاسخ به پرسش‌های طرح‌شده از روش توصیفی- تحلیلی و با مطالعه‌ی متون، مکتوبات و اسناد کتابخانه‌ای به بررسی شباهت‌ها در ٨ تخته فرش (٤ تخته از هر منطقه‌ی یادشده (در این مناطق پرداخته‌شده است. نتایج نشان می‌دهد که طرح‌های قالی بابا حیدر معمولاً در قسمت متن بسیاری از نقوش هندسی با قالی‌های قشقایی مطابق و گاهی اوقات حتی یک نقش هستند اما آن‌ها تفاوت‌هایی نیز دارند که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

پیشینه‌ی پژوهش

با بررسی‌های انجام شده با توجه به حوزه‌ی تحقیق نزدیک‌ترین و مهم‌ترین آثار به شرح زیر است:

کبیری و همکاران (١٣٩٨) «بررسی طرح و نقش قالی‌های باباحیدر». در این مقاله به بررسی ویژگی‌های فرش باباحیدر اعم از بافت، طرح و نقش، رنگ و.. پرداخته شده است و تنها یک مورد اشاره به اثر کوچ‌نشینان فارس بر این فرش دیده می‌شود. صدرلنبانی (١٣٩٧) «مطالعه‌ی تطبیقی نقش‌مایه‌های فرش‌های بختیاری با فرش‌های قشقایی». در این پایان‌نامه سعی بر این شده که نقش‌مایه‌های دو قوم بختیاری و قشقایی با هم بررسی شود. با توجه به این‌که قشقایی‌ها قومی کوچ‌نشین بودند و در دامنه‌ی زاگرس کوچ می‌کردند و در بررسی‌های مختلف پی به این برده شده که روزگاری ساکنین شهر بابا حیدر قشقایی‌ها بودند پس احتمال می‌رود که نقش‌مایه‌های دو قوم دستخوش تغییر و تحول قرارگرفته باشد. نوریان دهکردی (١٣٩٧) «تبیین روابط سبک‌شناختی فرش‌های باباحیدر چهارمحال و بختیاری و فرش‌های شیروان قفقاز». این پایان‌نامه جزء معدود پژوهش‌هایی است که منحصراً به بررسی فرش باباحیدر و روابط سبک‌شناختی آن با سایر فرش‌های برون‌مرزی پرداخته است. به دلیل وجود

مشترکاتی نسبت به ایل قشقایی، منشأ پیدایش و کوچ‌های متعدد آن‌ها در ایران (در ابتدا قوم قشقایی از مناطقی مانند نخجوان و آذربایجان کوچ کردند و ساکن دامنه زاگرس شدند) این اتفاق و همچنین کوچ‌های متعدد این ایل به نقاط مختلف ایران، احتمال می‌رود اشتراکاتی بین فرش‌های قفقاز قشقایی و باباحیدر وجود داشته باشد.

افروغ و همکاران (۱۳۹۵) «عوامل مؤثر بر آفرینش نقوش انتزاعی و تجریدی در دست‌بافته‌های قشقایی». اشاره دارند نخست به مطالعه، بررسی و طبقه‌بندی انواع دست‌بافته‌های ایل و عشایر قشقایی از دو منظر کاربرد و فنون بافت و سپس با ذکر نظرات چهار محقق (پرویز تناولی، آرمن هانگلدین، سیسیل ادواردز و محمدرضا امینی) در باب چیستی و چرایی نقش‌های انتزاعی، تجریدی و شکسته در دست‌بافته‌های عشایری و همچنین رصد این نظرات به صورت میدانی و در قالب دو سؤال اساسی از بافندگان عشایری و انطباق پاسخ بافندگان با نظرات محققان یادشده، به دنبال علل انتزاع، تجرید و ساده‌گرایی طرح و نقش دست‌بافته‌های عشایری [قشقایی] بوده است.

دادور و مؤذن (۱۳۸۸) «بررسی نقوش بافته‌های بختیاری». هدف مقاله ایشان معرفی تک‌تک بافته‌ها، معرفی و ریشه‌یابی اسطوره‌ای برخی از نقوش نمادین است. چراکه با توجه به گسترش دلالان بازارهای صنایع‌دستی و نفوذ آنان در میان بختیاری‌ها، بیم آن می‌رود که نقوش مورد تقاضای بازار کم‌کم جای نقوش سینه‌به‌سینه آموخته شده را بگیرد و اثری از آن‌ها باقی نگذارد و یا حتی نفوذ وسایل و ابزار معمول شهری، ضرورت تولید بافته‌ها و به‌تبع آن ثبت نقوش اصیل را در میان این قوم از بین ببرد. با توجه به پیشینه‌های موجود در این زمینه، پژوهش حال حاضر سعی بر این دارد که تأثیر کوچ‌نشینان قشقایی را بر نقوش قالی باباحیدر بررسی کند که از این نظر نوآوری لازم را دارا بوده است.

جغرافیای باباحیدر

شهر باباحیدر در ٤٦ کیلومتری مرکز استان چهارمحال و بختیاری شهرکرد شهرستان فارسان در دامنه‌ی رشته‌کوه زاگرس قرار دارد که از غرب به روستای امیرآباد، از شرق به روستای فیل‌آباد، از جنوب به منظره‌ی دلنوازان در حاشیه‌ی رودخانه‌ی زیبا و از طرف شمال به کوه چوبین منتهی می‌شود. این شهر در گذشته در مسیر کوچ قرار داشت و اقوام آن معتقدند جزء اقوام کوچروی ترک بودند و به‌تدریج با اشتغال به کار زراعت و کشاورزی در این منطقه سکنی گزیده‌اند (نکویی، ۱۳۸۱: ۱۵۹؛ به نقل کبیری و همکاران، ۱۳۹۸: ٤٨). به‌طورکلی استان چهارمحال و بختیاری به دلیل کوهستانی بودن دارای اقلیم بسیار مرطوب و خنک با زمستان‌های سرد است و ۱۰ درصد آب کشور را تأمین می‌کند.

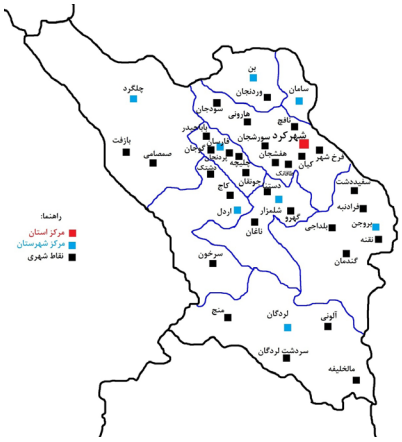

تصویر ۱- نقشه‌ی شهرستان باباحیدر (www.mymap.ir)

جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۵، ۱۰۹۲۲ نفر ۳۲۷٦ خانوار بوده است.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیتی باباحیدر

بخش	مرکز بخش	جمعیت بخش۱۳۹۵	نام دهستان	مرکز دهستان	جمعیت دهستان ۱۳۹۵	شهر	جمعیت شهر ۱۳۹۵
مرکزی	فارسان	٤١.٤٩٣ نفر	میزدج علیا	گوجان	٤.٨١٠ نفر	فارسان	٣٠.٥٠٤ نفر
						گوجان	٦.١٧٩ نفر
جونقان	جونقان	٣٤.٨٧٦ نفر	میزدج سفلی	چلیچه	٤.٠٤٩ نفر	جونقان	١٤.٤٣٣ نفر
			جونقان	راستاب	٢.٧٥٠ نفر	بردنجان	٨.٦٩٩ نفر
						چلیچه	٤.٩٤٥ نفر
بابا حیدر	باباحیدر	١٨.٩١٧ نفر	سراب سفلی	قلعه شریف	١.٧٥٧ نفر	باباحیدر	١١.٢٠٢ نفر
			سراب علیا	عیسی‌آباد	١.٣٠٢ نفر	فیل آباد	٤.٦٥٦ نفر

(نگارنده)

جغرافیای فرهنگی باباحیدر

در قدیم به دلیل وجود امامزاده‌ای به نام حیدر بن مالک معروف به قم چهارمحال بوده است و نام پیشین این شهر از همین امامزاده گرفته شده اسم باب حیدر امروزه به باباحیدر تغییر پیداکرده است (wilborg, 2002: 13).

تن‌پوش آنان گیوه، شلوار قری، شلوار دبیت، چوقا ، کلاه خسروی و مینا و لچک است. زبان مردم این شهر به گویش بختیاری است و شغل اکثر اهالی آن کشاورزی، دامداری، باغداری و کارگری است. عمده فرآورده‌های کشاورزی آنان گندم و جو انگور و زردآلو و بادام است.

ویژگی‌های قالی‌های شهر باباحیدر

این منطقه از مراکز مهم تولید فرش استان است که امروزه بیشتر تولیدات آن را فرش خشتی به خود اختصاص می‌دهد. شکل خشت‌های باباحیدر مستطیل و مربع هستند. عناصر تشکیل‌دهنده در خشت‌ها کاملاً هندسی است و ترتیب قرار گرفتن خشت‌ها و قاب‌ها در قالی‌ها یکی در میان است. در گذشته قالی‌هایی بافته می‌شد که طرح‌های آن‌ها به‌صورت ترنجی و دارای خطوط شکسته‌ی زاویه‌دار بود. این فرش‌ها ذهنی بافت بودند و عدم استفاده از خطوط گردان و استفاده از موتیف یا نقش‌مایه‌های ابتدایی از ویژگی آن‌ها است. (کرمانی، ١٣٧٤: ١١٤).

نقطه‌ی اشتراک فرش‌های باباحیدر استفاده از ٤ و ٥ رنگ در طرح است که بیشتر رنگ‌های قرمز، نیلی و سفید استفاده می‌کردند. ابعاد متداول آن‌ها قالیچه حداکثر ٦ مترمربع، رج‌شمار آن‌ها عموماً ١٥تا ١٧ و حداکثر ٢٠ رج است. سبک بافت به‌صورت به دو پود و گره آن ترکی است. در قدیم تار، پود و پرز از جنس پشم بوده و از دار افقی استفاده می‌کردند و اکنون تار و پود از پنبه و پرز از پشم است. این نوع قالی‌ها دارای شیرازه‌ی متصل تک‌رنگ و کرباس‌بافی پایین و بالای بافته است. طرح‌های آن تک ترنجی در سایز ٣×٢ و ٢/٥ در ١/٥ و طرح‌های دو ترنجی در فرش‌هایی که طول دو برابر دارند دیده می‌شود. (ترابی، ١٣٩٢). در بررسی‌های انجام شده قالی باباحیدر جزء

فرش‌های سبک هندسی- عشایری و روستایی هستند و بافندگان آن‌ها به بافت ترنج‌های هندسی موسوم به حوض اشتغال دارند که اطراف این ترنج‌ها را نقوش کنگره‌ای یا پلکانی یا نگاره‌های مرغی فراگرفته است.

انواع ترنج در فرش باباحیدر

در نقشه‌های مختلفی نقش‌مایه‌ی حوض وجود داشته است. در یکی از مهم‌ترین تحولات نقشه‌ی گلستان، تنها یک حوض یا ترنج باقی‌مانده است و این حوض تنها چنان بزرگ شده است که بخش مهمی از متن قالی را گرفته و تنها چهار لچک باقی گذاشته است. این تغییرات نتیجه‌ی ذوق و هنر نسل‌های بسیاری در طول زمان‌های مدید بوده است و قطعاً ادامه خواهد داشت. اکنون انواع نقشه‌های گلستان با طرح لچک و ترنج با عناوینی مثل لچک و ترنج اسلیمی، لچک و ترنج شاه‌عباسی، لچک و ترنج حیوان‌دار و غیره مرسوم است. نقوشی که می‌توان گفت با بن‌مایه‌ی نقش گلستان یا باغ فردوس شکل‌گرفته است مانند نقوش کردی خراسان، نقوش شکارگاه، ماهی درهم و نقوش گل و بوته نام برد (ژوله، ۱۳۹۰: ۱۵۷). در قالی‌های باباحیدر هم نقش ترنج مرکزی دیده می‌شود و هم نقش دو ترنج که دو حوضی و هم نقش سه ترنج که سه حوضی گفته می‌شود.

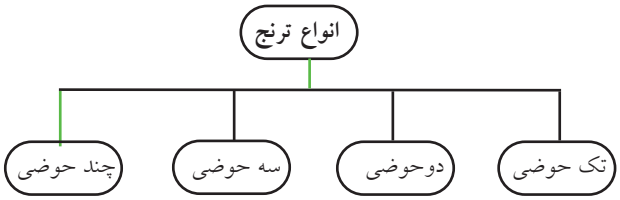

تصویر ۲- انواع ترنج قالی باباحیدر (نگارنده)

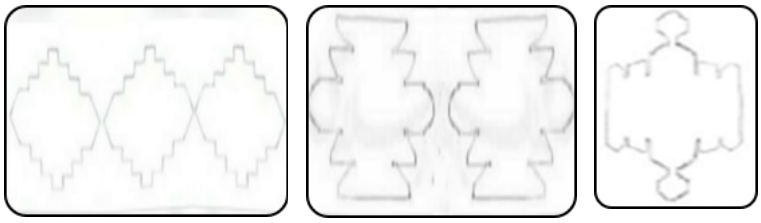

تک حوضی　　دو حوضی　　سه حوضی

تصویر ۳- انواع ترنج خطی قالی باباحیدر (نگارنده)

تک حوضی

«در برخی نقشه‌های شهری و روستایی، تنها یک حوض یا ترنج دیده می‌شود و این حوض تنها، چنان بزرگ شده که بخش مهمی از متن قالی را گرفته و تنها چهار لچک باقی گذاشته است. در بخشی از ایران این حوض بزرگ سراسر را سلسله نامیده‌اند. از آن‌جا که این حوض بزرگ، متن قالی را بسیار ساده می‌کرد، می‌بایست به فکر آرایش آن می‌بودند» (الله بخشی، ۱۳۹۱ : ۱۹).

تصویر ۴- ترنج تک‌حوضی: قالی باباحیدر فیل‌آبادی،کلکسیون مروارید (محمودی،۱۳۹۶)

دو حوضی: دسته‌ی دیگری از قالی‌های باباحیدر نقش ترنج به صورت دو حوضی یا سه حوضی دارند. در فرش‌های عشایری طول فرش را در طرح‌های قدیمی‌تر با دو یا سه ردیف حوض و در طرح‌های جدید با یک ردیف حوض پر کرده‌اند. در اثر این کار، نقش‌مایه‌هایی پدید آمده است که گاه تا هفت ترنج) حوض (دنبال یکدیگر و به هم پیوسته دارد (همان).

تصویر ۵- ترنج دوحوضی: قالی باباحیدر فیل‌آبادی (کلکسیون مروارید محمودی، ۱۳۹۶)

سه حوضی

تصویر ۶- ترنج سه‌حوضی (Willborg, 2002: 136- 137)

معرفی کلی قوم قشقایی

قشقایی یکی از طایفه‌هایی هستند که در سده‌های پنجم و ششم هجری در پی هجوم غزنویان و سلجوقیان همراه با مهاجرت بزرگ قبایل ترک از آسیای مرکزی به خاورمیانه و ایران آمده‌اند و همچنان که زبان آن‌ها از شاخه‌ی زبان ترکان غز و ترکان باختری است می‌توان دریافت که منشأ و زادگاه قشقایی‌ها از حدود جمهوری ترکمنستان و قفقاز است که به ایران مهاجرت نموده‌اند. این‌که قشقایی‌ها در چه زمان و چگونه روانه‌ی فارس شدند، محقق نیست.

قدیمی‌ترین اسناد موجود درباره‌ی سکونت طوایف ترک زبان در فارس؛ اگرچه تا حدی مبهم هستند، اما این نکته وجود دارد که نخستین گروه‌هایی که بعدها با پیوستن به یکدیگر ایل قشقایی را تشکیل دادند، احتمالاً در قرن‌های هشتم و نهم هجری در منطقه فارس حضور داشته‌اند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که بخشی از ایل قشقایی دست‌کم از شش‌صد سال پیش به فارس مهاجرت کرده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که ظاهراً از طایفه‌های کنونی ایل قشقایی «طایفه‌ی مدان» نخستین طایفه‌ای است که در فارس سکنی گزیدند. پیش از سازمان یافتن و یکپارچه شدن قشقایی‌ها در آن‌جا ماندگار شدند و موقعیت ممتاز و متمایز داشتند و صاحب نفوذ و اقتداری بیش از دیگر مهاجران ترک‌زبان داشتند (پرهام، ١٣٦٤: ٦٨-٦٥). درگذشته محصولاتی که از گوسفند به دست می‌آمد برای معیشت گله‌داران قشقایی کفایت می‌نمود. محصولاتی مثل پشم، شیر، گوشت، کشک، پوست، پنیر و کره. ولی امروزه ایلات برای بافندگی نیز از نخ‌ها و کلافه‌های کارخانه‌ای با رنگ شیمیایی استفاده می‌کنند و دیگر از پشم مرغوب دست‌ریس با رنگرزی طبیعی استفاده نمی‌شود.

شناسایی فرش‌های قشقایی

تمام فعالیت‌ها نظیر چیدن پشم‌ها و ریسیدن و رنگرزی و چله‌کشی و بافت بر عهده‌ی زنان است. ابعاد قالی‌های آنان به علت کوچ دائمی کوچ‌نشینان معمولاً بزرگ‌تر از شش متر بافته نمی‌شود (تناولی، ١٣٥٩: ٤٣). بافتن یک دست کامل فرش که شامل میان فرش، کلگی و یک جفت کناره است، در میان ایلات و روستاها رواج داشته و در ایل قشقایی متداول نبوده است زیرا این فرش‌ها را اعیان و خوانین و سران استفاده می‌کردند که شهرنشین بودند و در میان ایل قشقایی چنین فرش‌هایی بافته نمی‌شد یا اگر بافته شده از بین رفته است (همان،٥٠).

طرح و نقش قالی‌های قشقایی

اکثر نقش‌مایه‌ها و نگاره‌های استفاده شده در فارس همان نقش‌هایی است که از زمان باستان از دوران هخامنشی و اشکانی و ساسانی در فارس متداول بوده است. همچنین پاره‌ای از نقش‌مایه‌های کهن دچار تحول شد و با آمیزش طرح‌های جدید و کهن، طرح‌های جدید پدیدار شد (تناولی، ١٣٧٧: ١٠٦).

تحول نقش دست‌بافت‌های قشقایی در چهار مرحله قابل توضیح است:

الف) مرحله‌ی نخست شامل نقش‌هایی است که قشقایی‌ها هنگام کوچ به نواحی شمال غربی و مرکزی ایران با خود همراه کردند .نگاره‌های دیگری که یادگار این دوره است را می‌توان در میان فرش‌های قشقایی ازیک‌طرف و دست‌بافت‌های قفقاز و ترکمنستان مشترک است، جستجو کرد. می‌توان گفت که شمار این نقش‌مایه‌ها اندک است اما منشأ مشترک در آن‌ها کاملاً حس می‌شود. منشأ مشترک برخی از این نقش‌ها نشان می‌دهد که لااقل این نقش‌ها، زمینه‌ی ترکی ندارند.

ب) دوره‌ی دوم شامل نقش‌هایی مانند ناظم، ماهی در هم، محرمات، گل شاه‌عباسی و نقش‌مایه‌های کردی و فراهانی و جوشقانی است .این نقش‌مایه‌های قشقایی حاصل گذشتن ایل و زنان قشقایی از مناطقی مثل شمال، غرب و مرکز ایران از آذربایجان و کردستان و لرستان گرفته تا حدود ساوه و اراک است که به دلیل گذاشتن ایل از دامنه‌های زاگرس به دست آمده و بر تجربیات زنان قشقایی افزوده است.

پ) دوره‌ی سوم شامل نقش‌هایی مانند نشان ساسانی، گل شطرنجی و بسیاری از انواع گل‌های ساده شده و مرغان شیوه یافته و لوزی‌های گوناگون ساسانی و نقش میان ترنج و بیشتر طرح‌های حاشیه‌ای از این دوره است .این نقش‌ها بعد از آمدن قشقایی‌ها به فارس و آشنا شدن آن‌ها با سنت‌های کهن فرش‌بافی و حوزه‌های بافندگی باستانی پدید آمده است. نقش‌هایی که در این دوره به قالی‌بافی قشقایی راه یافته شامل تقریباً نیمی از نقش‌های قالی‌های قشقایی است.

ت) دوره‌ی چهارم شامل نقش‌مایه‌هایی است که از کوچ طایفه‌هایی از ایل قشقایی به نقاط دیگر به وجود آمده است (پرهام، ۱۳۹۰: ۳۸-۸۰).

گروه‌بندی نقش‌های قشقایی

نقش فرش‌های قشقایی در طول سه قرن گذشته به دو گروه اصلی تقسیم‌بندی می‌شود:

الف) گروه اول را نقش و نگارهای سنتی عشایری تشکیل می‌دهد که در اثر گذشت زمان تغییر زیادی پیدا نکرده و با یک شیوه همچنان بافته می‌شوند .این نقش‌مایه‌ها در درجه‌ی اول هندسی و ذهنی‌باف هستند و برای انجام این نقش‌ها الگو و شیوه‌ی معینی تعیین نشده و نظم خاصی ندارند و دارای قرینه نیز نیستند.

ب) در گروه دوم نقش‌هایی را می‌توان قرار داد که منظم و پیوسته و منسجم و متقارن هستند .منشأ بافت آن‌ها عشایر و روستا نیستند .این نقش‌ها غالباً از فرش‌هایی که در شهرها بافته می‌شد و یا از سایر هنرهای شهرنشینی مانند پارچه و ترمه و قلم‌کاری و کاشی، الهام گرفته شده است و به سبک شیوه‌های خاص بافندگان عشایری درآمده است و در نهایت ساده و به اصطلاح «استیلیزه «شده است. (همان، ۸۶-۸۴).

مقایسه‌ی قالی باباحیدر و قشقایی

در ابتدا به بررسی ویژگی‌های فنی بافت فرش‌های این دو منطقه و تحلیل آثار آن‌ها و در ادامه به تشابه طراحی و نقش‌مایه‌های آن‌ها پرداخته خواهد شد. قالی‌های باباحیدر در مقایسه با قالی‌های قشقایی از نظر ساختار فنی دارای شباهت‌های زیادی هستند. از جمله: هر دوی آن‌ها دارای قالی‌هایی با ٤ یا ٥ رنگ و ابعاد کوچک پارچه حداکثر تا ٦ مترمربع و دارای دارهای افقی (زمینی)، دو پود و گره ترکی هستند با این تفاوت که ایل قشقایی از دو گره ترکی و فارسی استفاده می‌کنند. رج‌شمار هردوی آنان ۱۵ تا ۲۰ است که این خود گواه بر شکستگی نقوش به معنای هندسی بودن قالی‌ها و ذهنی‌باف بودن آن است.

نمونه‌ی موردی نخست. از آن‌جا که هدف کلی پاسخ به سؤالات طرح شده در پژوهش، در مورد تأثیرگذاری قوم قشقایی بر قالی باباحیدر است:

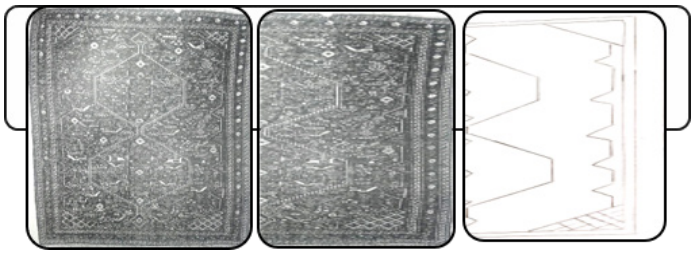

۲ ۱ قالی قشقایی

۲ ۱ قالی باباحیدر

تصویر ۷- مقایسه‌ی قالی‌های شماره‌ی ۱، قالی باباحیدر فیل‌آبادی‌باف (کلکسیون مروارید محمودی، ۱۳۹۶) و (پرهام، ۱۳۷۰: ۲۵۲)

با نگاهی ابتدایی و کلی به هر دو قالی می‌توان متوجه شد که هردو تقریباً دارای یک اندازه هستند و چون عشایری‌باف و کوچک پارچه و دارای دارهای زمینی هستند و به همین دلیل دارای نقوش هندسی و شکسته که سرتاسر متن را پرکرده است. در مرحله‌ی بعد به مقایسه‌ی دو حاشیه‌ی قالی‌ها پرداخته خواهد شد. هردوی آن‌ها دارای حاشیه‌ی تکرارشونده با نقوش هندسی و شکسته هستند ولی با این تفاوت که در قالی باباحیدر نقوش درشت‌تر و عرض حاشیه پهن‌تر از قالی قشقایی است. هردوی آن‌ها دارای دو ترنج هندسی شش‌ضلعی هستند که بیشتر فضای متن را به خود اختصاص داده‌اند ولی نقطه‌ی اتصال این دو حوض در قالی باباحیدر نسبت به قالی قشقایی فضای بیشتری را گرفته است و همچنین سر ترنج دو قالی به شکل لوزی است ولی تفاوت اندازه دارند. در داخل حوض‌های قالی باباحیدر شکل هندسی بزرگ که دارای یال‌های جانبی است قرار دارد که رنگ آن به رنگ حاشیه است ولی در دو حوض قالی قشقایی نقوش هندسی مشاهده می‌شود.

چهار طرف حوض‌های دو قالی لچک‌های مثلثی وجود دارد که در قالی باباحیدر لچک‌ها بزرگ‌تر و درشت‌تر هستند و هم‌رنگ با زمینه‌ی حوض و نقوشی یکسان با متن دارند ولی در قالی قشقایی نوع نقوش متفاوت با متن کار شده است. هردوی آنان دارای حاشیه‌ای با موتیف‌های هندسی و به رنگ ترنج و به دور آن متصل به چهار لچک گوشه هستند با این تفاوت که در قالی باباحیدر حجم بیشتری دارد. در کل نقوش در قالی قشقایی ریزتر و پیوسته‌تر از قالی باباحیدر است به همین دلیل احتمال می‌رود در این دو نمونه قالی قشقایی رج‌شمار بالاتری نسبت به قالی باباحیدر داشته باشد.

نمونه‌ی موردی دوم

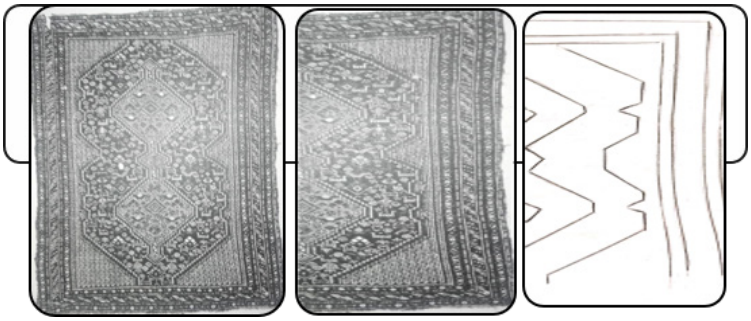

۲ ۱ قالی قشقایی

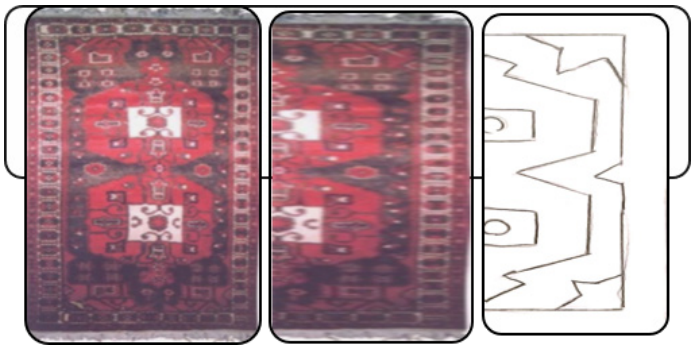

۲ ۱ قالی باباحیدر

تصویر ۸- مقایسه‌ی قالی‌های شماره‌ی ۲ (شیرین صوراسرافیل، ۱۳۸۹: ۱۰۹) و (پرهام، ۱۳۷۰: ۲۵۲)

مطابق نمونه‌ی قبل هر دو قالی ازنظر نقوش هندسی یکسان هستند. قالی قشقایی دارای سه حاشیه با نقش‌مایه‌های شکسته و ریزتر از قالی باباحیدر با این تفاوت که قالی باباحیدر دارای یک حاشیه با نقش‌مایه‌های درشت‌تر است. در این قالی محیطی شش‌ضلعی که بیشتر فضای متن را به خود اختصاص داده است، دور حوض‌های این دو قالی را فرا گرفته است. با این تفاوت که در قالی باباحیدر این محیط دارای نقطه‌ی اتصال است و سرترنج آن هیچ برخوردی با حاشیه‌ی این قالی ندارد ولی در قالی قشقایی سرترنج با حاشیه برخورد دارد و محیط دور حوض‌های آن با هم هم‌پوشانی دارند. در داخل این محیط‌ها در قالی باباحیدر دو ترنج به رنگ حاشیه و به شکل مربع قرار دارد و جدا از هم هستند ولی در قالی قشقایی دو ترنج لوزی شکل مانند نمونه‌ی قبل و با اتصالی لوزی مانند و حجم کمتر وجود دارد.

اگر به قالی قشقایی دقت شود سه نوع متن جدا از هم مشاهده می‌شود که دارای نقوش متفاوت با یکدیگر هستند. متن اول که به حالت لچک چهارگوشه‌ی قالی را گرفته است دارای نقوش ریزتر از بقیه‌ی متن و حاشیه است. در متن دوم نقوش گیاهی و جانوری درشت‌تر از متن قبل اطراف دو حوض لوزی شکل قالی را فراگرفته است. و در داخل حوض این قالی نقوش جانوری قرار دارد و در مرکز آن لوزی کوچک دیگری وجود دارد که نشانه‌ی تأکید است. در این نمونه‌ی قالی باباحیدر نقوش در سرتاسر قالی به نوعی باهم شباهت دارند و این قالی فقط دارای نقش گیاهی و خطوط شکسته هندسی است. در قالی باباحیدر رنگ مرکز کار با حاشیه یکسان است

و با توجه به در دسترس نبودن رنگ قالی قشقایی ولی با دقت به طیف خاکستری موجود در تصویر می‌توان متوجه آن شد که رنگ حوض مرکزی که لوزی شکل است با حاشیه‌ی بزرگ این قالی یکسان است.

نمونه‌ی موردی سوم

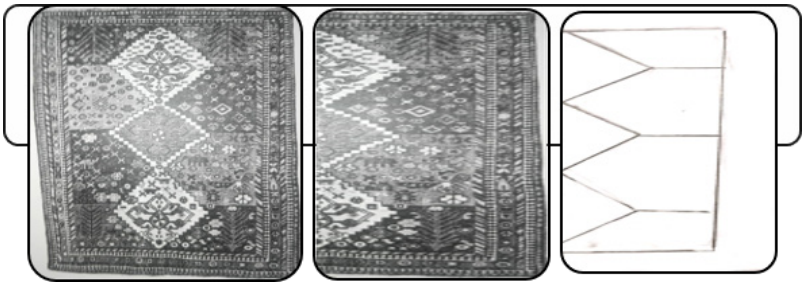

قالی قشقایی ۱ ۲

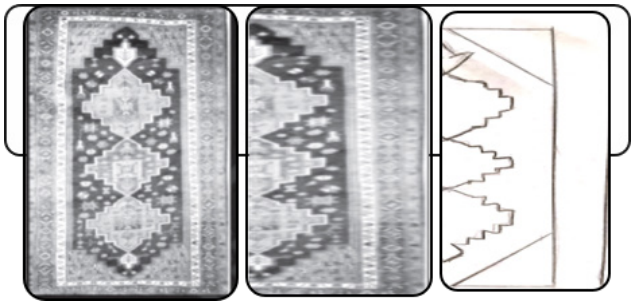

قالی باباحیدر ۱ ۲

تصویر ۹- معرفی قالی‌های شماره‌ی ۳- (پرهام،۱۳۷۰: ۱۲۰) و (willborg 2002: 137)

در نمونه‌ی سوم از قالی‌ها بیشترین شباهت دیده می‌شود. این نمونه فرش قشقایی دارای سه حاشیه که درون آن نقش‌مایه‌های گیاهی و هندسی است ولی در این نمونه فرش باباحیدر، دو نمونه حاشیه دارد که فضای بیشتری از قالی را گرفته است و با تضاد رنگ خود باعث به وجود آمدن قابی مستطیلی دور متن شده است که در داخل آن نقوش گیاهی و نقش‌مایه‌ی لوزی برای تأکید بیشتر است. برای مقایسه‌ی متن این دو نوع قالی می‌توان گفت قالی قشقایی قالی چهارفصل است که تمام متن با نقوش شکسته‌ی گیاهی پرشده است و سه نوع حوض آن فضای زیادی از متن قالی را اشغال کرده است. در این قالی حوض‌های بالا و پایین دارای رنگ و نقش‌مایه‌های یکسان هستند. این حوض‌ها از رأس یکی از زاویه‌هایشان به یکدیگر متصل شده‌اند و بدون سرترنج بر حاشیه مماس هستند. در متن قالی باباحیدر چهار لچک مثلثی شکل مانند نمونه‌های قبل در چهارگوشه‌ی قالی قرار دارند. متن به صورت ساده و با نقش‌مایه‌های هندسی و لوزی و گل پرشده است. این نمونه قالی باباحیدر مانند قالی قشقایی مورد مقایسه دارای سه حوض لوزی شکل که از رأس زاویه‌ی خود به هم متصل‌اند، است با این تفاوت که حوض‌ها دارای سرترنج هستند و هیچ‌گونه برخوردی با حاشیه ندارند. نقش‌مایه‌ی درون حوض اول

و سوم مانند قالی قشقایی دارای نقش‌مایه‌ها و رنگ یکسان است. در هردوی آن‌ها تأکید بر لوزی در متن یا حاشیه شده است و خطوط اطراف حوض‌های هردو قالی دارای نقش شکسته‌ی پله‌پله‌ای است با این تفاوت که در قالی باباحیدر این نقش دور حوض‌ها بزرگ‌تر از قالی قشقایی است.

نمونه‌ی موردی چهارم

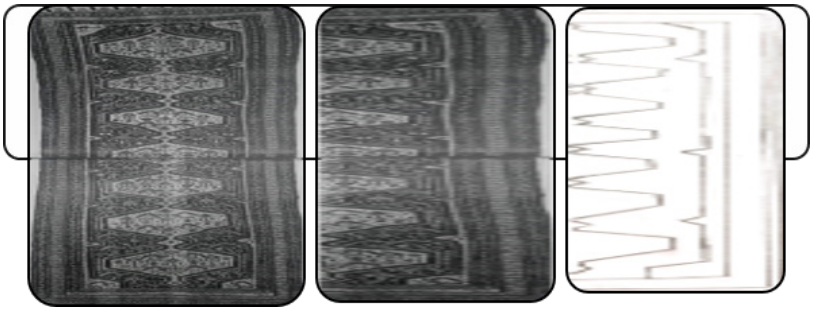

۲ ۱ قالی قشقایی

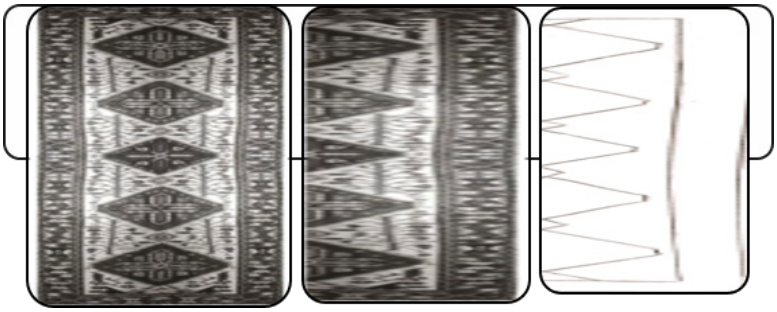

۲ ۱ قالی باباحیدر

تصویر ۱۰- معرفی قالی شماره‌ی چهار: فرش بختیاری (پرهام،۱۳۷۰: ۱۲۴)

برای بررسی و مقایسه این دو قالی ابتدا باید گفت آن‌ها کناره هستند که بنابر پیشینه‌ی هردو قوم، بافنده‌های آنان خانم‌ها بودند و برای سیاه‌چادرهای عشایر مورد استفاده است. این نمونه دارای بیشترین شباهت به قالی قشقایی است. هردو قالی دارای حاشیه با نقوش گیاهی و جانوری است با این تفاوت که حاشیه‌ی قالی باباحیدر بزرگ‌تر و یک مورد است ولی قالی قشقایی دارای نقش‌مایه‌های ریزتر و از سه حاشیه تشکیل شده است. در قالی قشقایی در چهارگوشه‌ی آن لچک از جنس ترنج دیده می‌شود که فرش باباحیدر آن‌ها را ندارد. در قالی باباحیدر ۵ ترنج که دوبه‌دو دارای نقش‌مایه‌های یکسانی هستند، دیده می‌شود که ظاهراً ازنظر اندازه ترنج وسط از همه کوچک‌تر است ولی در قالی قشقایی ترنج شش‌ضلعی که آن‌ها هم دارای نقوش یکی در میان یکسان هستند، دیده می‌شود و نقوش داخل آن‌ها ریزتر از قالی باباحیدر است. نحوه‌ی اتصال حوض‌های دو قالی با نقشی به شکل لوزی است با این تفاوت که قالی قشقایی دارای سرترنج است. نقوش داخل متن قالی قشقایی ریز و سرتاسر متن را پوشانده است ولی در قالی باباحیدر یک نمونه درخت دیده می‌شود که در متن پخش‌شده است.

مقایسه‌ی نقش‌مایه‌های قالی باباحیدر و قشقایی

برای رسیدن به پاسخ سؤالات طرح‌شده در این پژوهش به بررسی و مقایسه‌ی نقوش قالی‌های این دو منطقه پرداخته می‌شود.

جدول ۲- نقش‌مایه‌های مشابه قالی باباحیدر و ایل قشقایی

نقش‌مایه‌ی قشقایی	نقش‌مایه‌ی باباحیدر	توضیحات
		گل هشت پر: نماد چهارفصل است که در متن هر دو قالی به‌کار رفته است و تفاوت آن‌ها در دایره‌هایی است که در گلبرگ به‌کار رفته است.
	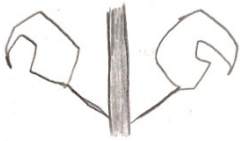	بته: نماد استقامت و پایداری است که در متن هر دو قال به‌کار رفته است ولی بته‌ی قالی باباحیدر به‌صورت برگی متصل به شاخه‌های درخت زندگی است.
		نگاره‌ی مرغی و کله مرغی: نقطه‌ی اعتدال بهاری و آغاز فروردین و نماد بارآن که در متن و حاشیه به‌کار می‌رود.
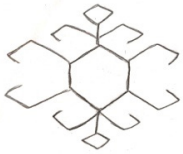	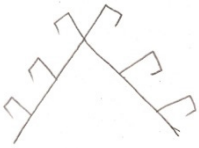	ایت آل: نوعی نقش‌مایه‌ی هندسی است که در قالی قشقایی در قاب شش‌تایی و در قالی باباحیدر به‌صورت مثلث آمده است و کاربرد آن در حاشیه است.
		درخت زندگی: نماد فناناپذیری است که در متن هردو قالی به‌کار رفته است و اطراف درخت زندگی در قالی قشقایی نگاره‌ی مرغی نیز آمده است که نماد نگهبان درخت زندگی است.
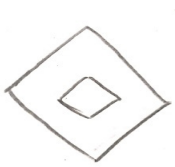	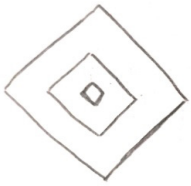	نقش چهار گل: در هر دو قالی در داخل حوض‌ها و متن و گاهی حاشیه به‌کار رفته است و بارها به‌صورت تأکید تکرار شده است.

(نگارنده)

نتیجه‌گیری

قالی‌بافی در مناطق روستایی و عشایری استان چهارمحال و بختیاری سابقه ی زیادی دارد. این منطقه دارای فرهنگ و آداب و رسومی است که پس از سالیان سال، هنوز دست‌نخورده باقی‌مانده و با گذشت زمان هنوز نیز دست‌بافته‌های این منطقه ارزش و جایگاه والایی دارند.

در بررسی‌های انجام شده بر روی فرش‌های باباحیدر، این نتیجه حاصل شد که ازنظر دسته‌بندی نقوش، این قالی‌ها به دلیل آن‌که جزو قالی‌های روستایی و عشایری هستند، نقوش شکسته داشتند و اغلب طرح ترنجی یک حوض و یا طرح ترنجی دو و سه و چند حوض دارند. این دسته طرح‌ها در قالی‌های قشقایی نیز دیده می‌شود و به دلیل وجود شباهت قالی باباحیدر با قالی‌های قشقایی می‌توان به این نتیجه رسید که کوچ‌نشینان قشقایی بر روی قالی باباحیدر از منطقه‌ی چهارمحال و بختیاری تأثیر گذاشته‌اند و بلعکس. با این‌حال ویژگی‌های بومی چهارمحال و بختیاری و قشقایی نیز موجب شده تا تفاوت‌هایی نیز قالی‌های این دو منطقه داشته باشند. در مجموع نتیجه‌ب پژوهش بیانگر نوعی تبادل نقش‌مایه‌ای میان دو منطقه که در عین تأثیرگذاری، استقلال هویتی قالی باباحیدر و قالی قشقایی نیز حفظ‌شده است.

فهرست منابع

- افروغ، محمد، اصغر جوانی، امیرحسین چیت‌سازیان و فتحعلی قشقایی‌فر. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر آفرینش نقوش انتزاعی و تجریدی در دست‌بافته‌های قشقایی. *باغ نظر*، ۱۳(۴۵)، ۷۷تا۹۰.
- افروغ، محمد. (۱۳۹۳). *نماد و نشانه‌شناسی در فرش ایران*. تهران: فرهنگسرای میردشتی.
- الله بخشی، میترا. (۱۳۹۱). *بررسی نقش شمسه در دو هنر کاربردی فرش و قرآن‌آرایی. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی)*. دانشکده‌ی هنر دانشگاه شهرکرد، ایران.
- پرهام، سیروس. (۱۳٦٤). *دست‌بافته‌های عشایری و روستایی فارس* (جلد اول). (چاپ اول). تهران: امیرکبیر.
- پرهام، سیروس. (۱۳۷۰). *دست‌بافته‌های عشایری و روستایی فارس* (جلد دوم). تهران: امیرکبیر.
- ترابی، هوشنگ. (۱۳۹۲). بروجن: مصاحبه (مرداد۱۳۹۲)؛ به نقل از (کبیری و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۵)).
- تناولی، پرویز. (۱۳۸۳). گبه هنر زیر پا. تهران: یساولی.
- حشمتی رضوی، فضل‌الله. (۱۳۸۷). *تاریخ فرش: سیر تحول و تطور فرش‌بافی در ایران*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- دادور، ابوالقاسم و فرناز مؤذن. (۱۳۸۸). بررسی نقوش بافته‌های بختیاری. *فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی گلجام*، ۱۳، ۳۹-۵۷.
- ژوله، تورج. (۱۳۸۱). پژوهشی در *فرش ایران*. تهران: یساولی.
- شعبانی خطیب، صفرعلی. (۱۳۸۷). *فرهنگ‌نامه‌ی تصویری آرایه و نقش فرش‌های ایران*. قم: سپهر اندیشه.
- صدری لنبانی، بهار. (۱۳۹۷). *مطالعه‌ی تطبیقی نقش‌مایه‌های فرش‌های بختیاری با فرش‌های قشقایی. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی)*. دانشگاه علم و هنر یزد، دانشکده هنر و معماری اردکان. ایران.
- صوراسرافیل، شیرین. (۱۳۸۹). *از آبی آسمان و سرخی دشت چهارمحال و بختیاری*. تهران: نشر آفتاب.
- غلامحسینی، مریم. (۱۳۸۹). *بررسی بصری نقوش دست‌بافته‌های قشقایی فارس. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی*

ارشد). دانشکده هنرهای تجسمی دانشگاه هنر تهران. ایران.
– کبیری، فرانک، اعظم بهلول و پریوش محمدی. (۱۳۹۸). بررسی طرح و نقش قالی‌های باباحیدر. *نشریه‌ی مطالعات ایران‌شناسی*، ۳، ٤٥–٥٦.
– کرمانی، رمضانعلی (۱۳۷٤). بررسی اصالت نقوش خشتی و قابی در قالی‌های استان چهارمحال و بختیاری. چهارمحال و بختیاری: سازمان جهاد سازندگی استان چهارمحال و بختیاری: معاونت عمران و صنایع روستایی.
– نکویی، محسن. (۱۳۸۱)، معرفی و مقایسه‌ی طرح‌های گردان و شکسته. طرح پژوهشی جهاد سازندگی استان چهارمحال و بختیاری.
– نوریان دهکردی، نرجس. (۱۳۹۷). *تبیین روابط سبک‌شناختی فرش‌های باباحیدر چهارمحال و بختیاری و فرش‌های شیروان قفقاز. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد)*. دانشکده صنایع‌دستی دانشگاه هنر اصفهان. ایران.
- Willborg, Peter. (2002). Chahar Mahal va Bakhtiari: Village, Workshop and Nomadic Rugs of Western Persia. Stockholm: Published by J. P. Willborg.
- https://daramoon.com
- www .my map.ir